

سیدرضا صالحی امیری، وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی ایران، در ششمین اجلاس وزرای گردشگری کشورهای عضو اکو در ارزروم ترکیه، بر لزوم همکاری جدی اعضا برای پیشبرد گردشگری منطقه تاکید کرد. وی اقدامات انفرادی را ناکافی دانست و پیشنهاداتی عملی برای توسعه ارائه کرد. صالحی امیری ایجاد برند مشترک گردشگری اکو، ارتقای

ایران: همگرایی، کلید توسعه گردشگری اکو

حمل ونقل منطقه‌ای، تسهیل صدور روایدید، تعریف بسته‌های سفر ترکیبی و بهیود تصویر بین المللی منطقه از طریق رسانه‌ها را از جمله گام‌های ضروری برشمرد. صالحی‌امیری با اشاره به نقش راهبردی ایران در اکو و ظرفیت‌های غنی منطقه، گردشگری رانه‌تنها اقتصادی، بلکه عاملی برای تقویت تعاملات فرهنگی و زمینه صلح و ثبات دانست. وی بر توسعه انواع گردشگری ارقبیل



سلامت و اکولوژیک تاکید کرد و خواستار مشارکت جدی بخش خصوصی و پیگیری دبیرخانه اکو شد. وی ضمن تبریک انتخاب ارزروم به عنوان پایتخت گردشگری اکو در سال ۲۰۲۵، بر پایدندی ایران به تعهدات خود و تمرکز دولت بر توسعه روابط با همسایگان در حوزه گردشگری تاکید و اپراز امیدواری نمود با همکاری اعضا، شاهد شکوفایی و رفاه بیشتر در منطقه باشیم.

بودند که غالباً با تأثیرپذیری از اندیشه‌های سوسیالیستی و ناسیونالیستی، به انتقاد از سعدی پرداختند. از جمله روشنفکران غرب‌زده به‌نام آن زمان، میرزا فتحعلی آخوندزاده معتقد بود دوره گلستان گذشته است یا میرزا آقاخان کرمانی که از استیلای هفتصدساله گلستان بر ادبیات فارسی و تقلید از آن ناخرسند بود، اگرچه خود نیز کتاب «رضوان» را به‌سیاق گلستان نگاشته است.

سال‌ها بعد نیز علی اصغر طالقانی در روزنامه «زبان آزاد» نوشت: «این کلیات چیست که بت مسجود ملل فارسی‌زبان شده است؟» علی‌دشتی گلستان سعدی را یکی از آثار مکتب ماکیاولی می‌داند. نیما یوشیج، پدر شعر نواشتباهات لغوی سعدی را مورد حمله قرار می‌دهد و بر معشوقه چادرپوشیده و به‌کنجی‌نشسته او می‌تازد. به‌دنبالش احمد شاملو، سعدی را ناظم می‌خواند و نه شاعر. نصرت رحمانی و اسماعیل خوبی هریک به‌گونه‌ای به سعدی می‌تازند. اگرچه بیشتر حملات متوجه گلستان است و از میان چند حکایت، بر سعدی می‌تازند.»

احمد کسروی هم که به‌عنوان یکی از چهره‌های مطرح ضد مذهب و به‌اصطلاح ملی‌گرا شناخته می‌شود، از شخصیت‌های تأثیرگذاری بود که با نقدهای تند خود علیه ادبیات کلاسیک فارسی، از جمله آثار سعدی، شناخته می‌شد. کاتوزیان در مقاله خود به برخورد کسروی و یارانش با سعدی اشاره می‌کند و می‌نویسد که کسروی با برپایی نوعی مراسم آیینی اقدام به سوزاندن دیوان اشعار شاعران کلاسیک می‌کرد. زیرا معتقد بود شعرو ادب کلاسیک فارسی مملو از خرافات و مفاهیمی است که با روح پیشرفت و تجدد در تضاد است و از این‌رو، آثار سعدی را نیز مورد انتقاد قرار می‌داد.

دکتر سعید حمیدیان، سعدی‌شناس با اشاره به دشمنی افرادی چون کسروی و آخوندزاده با سعدی می‌گوید: «این افراد بدون این‌که دقتی داشته باشند، شروع به‌نشانه‌گرفتن تعدادی از آثار ادبیات قدیم و کهن به‌ویژه آثار گلستان و بوستان سعدی کردند و همچنین غزلیات شورانگیز سعدی نیز از این‌گونه

انتقادها مصون نماند. آنها بر این باور بودند که سعدی شاعری واپس‌گرا و فرصت‌طلب است! آنها معتقد بودند که ادبیات کهن جوابگوی نیاز نسل‌های جدید نیست و امروز کسی از گلستان

سعدی درس اخلاق و زندگی نمی‌گیرد و ملت ما نیاز به الگوهای تازه‌تری دارد. نسل بعدی در زمان رضاخان پهلوی جنبش وسیعی یافت و تا حدود بسیاری شعر و شاعری به‌سمت اعتدال پیش رفت و

میان‌ه‌روی و زرف‌نگری ثمره این اعتدال بود.»

ریشه‌های سعدی‌کشی

نگاه ایدئولوژیک به ادبیات

همان‌طور که کاتوزیان تأکید می‌کند،

ریشه اصلی سعدی‌کشی بیش از آن‌که در اختلافات ادبی و بحثی در حوزه ادبیات و شعر باشد، بحثی ایدئولوژیک است. منتقدان سعدی غالباً با نگاهی ایدئولوژیک و از منظر اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی روز، به نقد او می‌پرداختند. در واقع، آنها سعدی را نه به‌عنوان یک شاعر و نویسنده در بستر

بلندمدت آن برنگاه جامعه ایرانی به ادبیات کلاسیک چه بود، سؤالاتی هستند که همچنان نیازمند پژوهش و تأمل عمیق هستند. ماجرای «سعدی‌کشی» یادآوری می‌کند که ارزیابی میراث فرهنگی، به‌ویژه در دوره‌های گذار، نیازمند ظرافت، درک تاریخی و پرهیز از داوری‌های ایدئولوژیک صرف است تا مبادا در مسیر نقد، بخش‌هایی از هویت و سرمایه‌های ارزشمند فرهنگی از دست بروند.

تأثیرگذاری فرهنگی و ادبی چنان عمیق بوده که تا پیش از دوران تجدد، کمتر کسی جرأت می‌کرد به نقد جدی آثار و اندیشه‌های سعدی بپردازد.

تعریف سعدی‌کشی

دکتر کاتوزیان در مقاله «ریشه‌های سعدی‌کشی» به بررسی این پدیده پرداخته و گزارشی مجمل از دعوها و مخالفت‌های روشنفکران ایرانی، به‌خصوص روشنفکران ملی‌گرا و چپ با سعدی ارائه داده است. سعدی‌کشی به‌معنای انتقاد شدید و گاه رد کامل ارزش‌های ادبی و فکری سعدی بوده است. این جریان در واکنش به سعدی‌پرستی سنتی و جایگاه قدسی‌گونه‌ای شکل گرفت که آنها برای سعدی قائل بودند.

زمینه‌های سعدی‌کشی

رواج اندیشه‌های مدرن، گرایش به تجددخواهی و عدالت‌طلبی در جامعه ایران پس از شهریور ۱۳۲۰، زمینه‌ساز نگاه انتقادی به مفاهیم و ارزش‌های سنتی شد. در این میان، سعدی به‌عنوان یکی از ارکان ادبیات کلاسیک فارسی، هدف انتقادات قرار گرفت. به‌عقیده کامیار عابدی، با ورود به دوره تجدد ادبی و اجتماعی در نیمه دوم سده نوزدهم میلادی، نقش و جایگاه سعدی به‌تدریج کمرنگ شد و انتقادهای مطرح‌شده در باب شخصیت و آثار سعدی کم‌کم گستره و شدت بیشتری پیدا کرد.

چهره‌های اصلی جریان سعدی‌ستیزی

دو گروه عمده منتقدان سعدی، روشنفکران چپ و ملی‌گراها

چالش کشیده شوند. تحلیل این پدیده به ماکمک می‌کند تا پیچیدگی‌های رابطه روشنفکران ایرانی با سنت، ضرورت درک بستر تاریخی متون کهن، و چالش‌های نگاه ایدئولوژیک به پدیده‌های فرهنگی را بهتر بفهمیم. «سعدی‌کشی» فراتر از یک بحث ادبی صرف بود، نزاعی بود بر سر هویت، آینده، و نسبت جامعه ایرانی با گذشته خود. منتقدان سعدی، با تمام تفاوت‌هایشان، در یک نقطه اشتراک داشتند: ضرورت تغییر و گسست از گذشته‌ای که آن رامنابع پیشرفت می‌دیدند. این‌که چرا این گسست به چنین شکل رادیکال و گاه ستیزه‌جویانه‌ای به خود گرفت و پیامدهای

بی‌بدیل در شکل‌گیری فرهنگ و ادبیات ایران زمین داشته است. آثار سعدی از حدود اواخر سده هفتم هجری قمری (قرن سیزدهم میلادی) به بعد، سهم و نقش انکارناپذیری از نظر ساختار ادبی و محتوای فکری در جامعه و فرهنگ ایرانی و نیز قلمرو زبان فارسی، شامل شبه‌قاره هند، آسیای مرکزی، قفقاز و آسیای صغیر ایفا کرده است. جایگاه سعدی در ایران آن قدر بلندمرتبه بوده که گلستان به کتاب آموزشی مکتب‌خانه‌های ایران تبدیل و سال‌ها در کنار قرآن کریم در مکتب‌خانه‌ها تدریس شده است. در واقع در مکتب، پس از یادگرفتن ۳۲ حرف الفبای فارسی که پایه سواد شناخته می‌شد، نخست «عم جزء»، بعد قرآن، آن‌گاه گلستان سعدی، نصاب الصبیان، جامع عباسی و ابواب الجنان تدریس می‌شد. همان‌طور که دکتر محمدعلی همایون کاتوزیان اشاره می‌کند، سعدی تا دهه ۱۳۲۰ در ایران قهرمان بلامنازع شعر و تماماً بی‌رقیب به‌شمار می‌رفت. حتی روشنفکران چپ پیش از بالاگرفتن تجددخواهی نیز او را به‌خاطر ستودن عدل و نکوشش ظلم مورد تمجید قرار می‌دادند اما با ورود به دوره تجدد ادبی و اجتماعی، این جایگاه رفیع به‌تدریج دستخوش تغییر شد و موجی از انتقادات علیه سعدی و اندیشه‌های او شکل گرفت.

تأثیر آثار سعدی بر فرهنگ و ادب فارسی

سعدی با نثر موزون و آهنگین گلستان و اشعار دلنشین بوستان، الگویی برای نویسندگان و شاعران پس از خود بوده است. بسیاری از ضرب‌المثل‌های رایج در زبان فارسی برگرفته از آثار اوست و سخنان حکیمانه‌اش در تعلیم و تربیت نسل‌های متمادی نقش داشته است. این

یکی از پدیده‌هایی که ایران و ایرانی دهه‌هاست به آن مبتلا شده و برای جامعه همچون شمشیر دولبه عمل می‌کند، پدیده تجددخواهی و روشنفکری است؛ پدیده‌ای که گاهی کمر به پیشرفت وطن بسته و گاهی چنان تیر به ریشه فرهنگ خود می‌زند که دشمنان خونی به آن آسیب نزده‌اند.

یکی از آن بزنگاه‌هایی که تجدد و روشنفکری تمام‌قد در مقابل اصلی‌ترین نماد فرهنگی ایرانی یعنی ادبیات و خصوصاً شعر و شاعران کلاسیک ق‌عدم کرد، دهه بیست‌شمسی تا سال‌های پیش از انقلاب بود که شاهد مخالفت با سعدی از طرف شاعرانی چون احمد شاملو و برخی از تئوری‌پردازان مارکسیست بودیم؛ البته پیش از آن در سال‌های حوالی انقلاب مشروطه نیز اظهارات مشابهی را از سوی افرادی چون میرزا فتحعلی آخوندزاده، میرزا آقاخان کرمانی، احمد کسروی، علی‌دشتی و تقی‌رفت را دیده بودیم؛ پدیده‌ای که به‌تعبیر دکتر محمدعلی کاتوزیان «سعدی‌کشی» نام گرفت و این مخالفت‌ها گاه آن‌چنان تند و آتشین می‌شد که این منورالفکرها اقدام به سوزاندن دیوان اشعار کلاسیک می‌کردند. نکته جالب اما این جاست؛ زمانی‌که تصمیم بگیرید بیشتر درباره این موضوع مطالعه کنید، منابع مطالعاتی زیادی در دست نیست!

جایگاه تاریخی سعدی در فرهنگ و ادبیات ایران

سعدی شیرازی، شاعر و نویسنده بزرگ قرن هفتم هجری، با آثار ماندگاری چون گلستان، بوستان و غزلیات، نقشی

برش

مواجهه تجدد و فرهنگ

پدیده «سعدی‌کشی» در تاریخ معاصر ایران، نمونه‌ای گویا از مواجهه پرچالش میان آرمان‌های تجددخواهی و وزن سنگین میراث فرهنگی است. این دوره از تاریخ فکری ایران نشان می‌دهد که چگونه در گوران تحولات اجتماعی و سیاسی و با ظهور ایدئولوژی‌های جدید، حتی ارکان مسلم و پذیرفته‌شده فرهنگی نیز می‌توانند به

فرهنگ

یکشنبه ۷ اردیبهشت ۱۴۰۴ ۱۴۰۴ شماره ۷۰۲۸

تاریخی خود، بلکه در چهارچوب معیارهای فکری و ارزشی عصر جدید مورد داوری قرار می‌دادند.

خط بطلان بر ادبیات کلاسیک

برخی از منتقدان بر این باور بودند که خط بطلان کشیدن بر سعدی به‌معنی خط بطلان کشیدن بر شعر و شاعری قدیم در زبان فارسی است. این رویکرد نشان می‌دهد که سعدی‌کشی نه صرفاً انتقاد از یک شاعر، بلکه بخشی از پروژه بزرگ‌تر نقد و حتی طرد ادبیات کلاسیک فارسی در راستای نوگرایی و تجددخواهی بوده است.

تلقی عصری از متن ادبی

نکته مهمی که کاتوزیان به آن اشاره می‌کند و شاید کمتر مورد توجه قرار گرفته، مسأله «تلقی عصری از شعر یا متن ادبی» است. در هر عصر براساس انتظارات مردم یا طبقه‌ای از مردم از ادبیات، تلقی‌هایی از متن ادبی شکل می‌گیرد. منتقدان سعدی در دهه ۱۳۲۰ با معیارهای زمانه خود به قضاوت درباره آثاری می‌پرداختند که در بستر تاریخی و فرهنگی متفاوتی خلق شده بودند.

موضوعات مورد انتقاد در آثار سعدی

مقابله با سعدی به‌عنوان قله ادبیات فارسی شامل موضوعات متنوعی بود که از میان آنها می‌توان به دو مورد اشاره کرد:

نگرش سعدی به قدرت و سیاست

یکی از مهم‌ترین محورهای انتقاد به سعدی، نوع نگاه او به قدرت و سیاست بود. منتقدان چپ‌گرا و عدالت‌خواه، سعدی را بخاطر توصیه‌هایش مبنی بر مدارا با حاکمان و پذیرش وضع موجود مورد انتقاد قرار می‌دادند.

در نگاه آنها، این رویکرد سعدی با روحیه انقلابی و تحول‌خواهانه‌ای که برای دگرگونی جامعه ضروری بود، سازگاری نداشت.

مسائل اجتماعی و اخلاقی

برخی توصیه‌های اخلاقی سعدی نیز مورد انتقاد قرار می‌گرفت. به‌عنوان مثال، مصلحت‌اندیشی و واقع‌گرایی افراطی که گاه در آثار سعدی دیده می‌شود، با آرمان‌گرایی و اصول‌گرایی روشنفکران دهه ۱۳۲۰ در تضاد بود. همچنین نگاه سعدی به برخی مسائل اجتماعی مانند طبقات اجتماعی، با ایده‌های برابری‌خواهانه روشنفکران چپ سازگاری نداشت.

چرا سعدی؟

یکی از سؤالات مهم درباره پدیده سعدی‌کشی این است که چرا در میان شاعران کلاسیک، سعدی بیش از دیگران هدف انتقاد قرار گرفت. دکتر کاتوزیان دلیل انتخاب سعدی برای کوپیدن رادر این می‌داند که سعدی تا دهه ۱۳۲۰ در ایران قهرمان بلامنازع شعر و بی‌رقیب به‌شمار می‌رفت. به عبارت دیگر، سعدی نهاد و نماینده ادبیات کلاسیک فارسی بود و نقد او به معنای نقد کل این سنت ادبی تلقی می‌شد. عامل دیگری که سعدی رادر کانون توجه منتقدان قرار می‌داد، نفوذ و حضور گسترده آثار او در فرهنگ عامه بود. حکایات گلستان و اشعار بوستان سعدی در نظام آموزشی، محافل ادبی و حتی گفتار روزمره مردم حضور پررنگی داشت، و این امر موجب می‌شد تا نقد سعدی تأثیر اجتماعی بیشتری نسبت به نقد دیگر شاعران کلاسیک داشته باشد.



قاب

تاکید بر توسعه گردشگری ایران و ترکیه

در حاشیه اجلاس گردشگری اکو در ارزروم ترکیه، معاون گردشگری ایران با مقامات محلی دیدار کرد. در این نشست، طرفین بر تقویت روابط دوجانبه و گسترش همکاری‌های گردشگری و فرهنگی تاکید کردند. انوشیروان محسنی بندپی، معاون گردشگری ایران، ضمن دعوت از شهردار ارزروم برای حضور در اجلاس جهانی گردشگری شهری در ایران، بر آمادگی تهران برای افزایش آمار تبادل گردشگران و معرفی جاذبه‌ها تاکید کرد. ایران و ارزروم توافق کردند در آینده نزدیک گام‌های عملی برای تسهیل سفر و تقویت همکاری‌های فرهنگی و اقتصادی بردارند.

استقبال از غرفه ایران در نمایشگاه کتاب مسقط

غرفه جمهوری اسلامی ایران در بیست‌ونهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب مسقط با ارائه بیش از ۸۰۰ عنوان کتاب به ۵ زبان، مورد توجه بازدیدکنندگان عمانی قرار گرفته است. کتاب‌های هنر و داستان بیشترین علاقه را به خود جلب کرده‌اند. علاوه بر غرفه اصلی، پنج ناشر دیگر ایرانی نیز در این رویداد فرهنگی حضور دارند. حضور سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه، در غرفه ایران برای رونمایی از اثرش، باعث افزایش چشمگیر بازدیدکنندگان شد. رازین فرهنگی ایران در عمان، مرتضی بابکی‌نژاد، با اشاره به نزدیکی‌های فرهنگی دو کشور، حضور ایران را در این نمایشگاه مهم دانست و از استقبال خوب عمانی‌ها از کتاب‌های ایرانی، به ویژه در حوزه تاریخ و هنر، خبر داد. وی تاکید کرد که مردم عمان به فرهنگ و تاریخ ایران علاقه دارند و این نمایشگاه فرصتی برای تعمیق روابط فرهنگی است. نماینده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز بر نقش این نمایشگاه در تبادل فرهنگ‌ها و صمیمیت مردم تاکید کرد.



«فردریک» مهمان تازه تالار وحدت

نمایش «فردریک» به کارگردانی حمیدرضا نعیمی از ۱۵ اردیبهشت در تالار وحدت روی صحنه می‌رود. در این اثر که براساس نوشته اریک امانوئل اشمیت و ترجمه شهلا حائری است، سام درخشانی، شبنم مقدمی و مهدی

حسینی‌نیا به ایفای نقش می‌پردازند. شبنم مقدمی پس از شش سال دوری از صحنه تئاتر، با این نمایش بازگشت می‌کند. سام درخشانی نیز در نقش اصلی «فردریک» ظاهر خواهد شد. مهدی حسینی‌نیا، دیگر هنرمند شناخته‌شده، در نقشی متفاوت و کم‌دی در این اثر حضور دارد. بهنام شرفی، ژاکلین آواره، مرتضی نجفی، گیلدا حمیدی، سیاوش خادم‌حسینی، صالح لواسانی و فرهاد قدیم‌خانی از دیگر بازیگران «فردریک» هستند. داستان نمایش درباره فردریک لومتر، ستاره افسانه‌ای «تئاتر بولوار» در پاریس قرن نوزدهم است که در اوج شهرت و تجربه تمام ژانرها، متوجه چشمان مرموزی در میان تماشاگران می‌شود. این نمایش سرگذشت این بازیگر پرشور و اتفاقات پیرامون او را روایت می‌کند.

